

Received: 2022/02/25

Accepted: 2023/04/18

## Analysis and Classification of Couple Portraits of the First Half of the Qajar Era

**Alireza Taheri**, Professor of Art History, Department of Comparative and Analytic History of Islamic Art, Faculty of theories & Art Studies, Iran University of Art, Tehran, Iran.

### Abstract

Throughout different periods, belief in the miracles of the prophets and the relics left by them has been very common. The sandals of the Prophet (PBUH) have also been noticed by Muslims. In their belief, their sandals could be used as a sacred object to help solve suffering or heal the sick. The image of the Prophet's sandals in Islamic works has been published and has appeared along with prayers, poems and descriptions of the virtues of the Prophet (PBUH). The questions are: How did the image of the Prophet (PBUH)'s sandals become sacred symbols? What are the visual features of these sandals? Many versions have been depicted in connection with the Prophet (PBUH)'s sandals, their repetition and reproduction over the centuries and their various miraculous functions have made them a sacred symbol. Certain concepts have been attributed to the image of the Prophet (PBUH)'s sandals: repelling calamities and sufferings, attracting charity and blessings, healing, worldly and otherworldly happiness, forgiveness of sins, etc., which confirm its sanctity and miracle. In appearance, we can also identify a sequential and evolutionary trend, from simple icons to complex and luxurious methods among them. The research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is done through books. The books of Sira and Shamail, and the books of traditions, provide detailed information about the sandals that the Prophet (PBUH) wore. Belief in the sanctity of sandals is not only common among the general public, but some rulers have sought their support and assistance in times of crisis. In terms of iconography and appearance, it is possible to summarize and, based on the illustration of its types, a sequential and evolutionary process, from simple icons to complex and luxurious methods: simple linear design; Simple sidebar lines; wide side lines decorated with floral motifs or calligraphic inscriptions; with or without leather straps; the inner surface is covered with intricate plant ornaments and calligraphic inscriptions; use of abstract symbols of sacred objects or buildings such as: Kaaba, Prophet's Mosque, Ibrahim's mausoleum, pulpit of the Prophet (PBUH), etc. The feeling of the symbolic miraculous power of the Prophet's (PBUH) sandals, along with other sacred symbols such as: his robe, shoulder, rosary, shoes or sword, was more evident. In general, it can be said that sandals, as relics of the Prophet (PBUH), embody his constant presence. This is a deep spiritual connection between the believer and the Prophet (PBUH) to whom these sandals once belonged. Sandals are also sacred, a place for individual and collective memory, and a reminder of the memories they carried with them. Sacred objects are part of historical memory. The use of sacred relics by medieval Muslims focused the remembrance of the saints' memories on sacred objects, thus giving them a deep meaning and building respect for them. The outline of the role of the sandals is further summarized and serves as a sacred symbol of blessing and healing, and sometimes includes the role of amulets and calamities.

**Keywords:** Prophet's sandals, Na'l al-Nabi, Holy symbolism, Islamic iconography.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹

علیرضا طاهری<sup>۱</sup>نمادپردازی مقدس شمایل صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup>

## چکیده

در طول ادوار مختلف، اعتقاد به معجزات پیامبران و یادگارهای برجای مانده از آنان بسیار رایج بوده است. صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup> نیز مورد توجه زیاد مسلمانان قرار گرفته است. در باور آنان، صندل‌های ایشان به عنوان یک شیء مقدس می‌توانسته برای کمک به حل مصائب یا شفای بیمار به خدمت گرفته شود. نقش صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup> در آثار اسلامی منتشر شده و در کنار دعاها، اشعار و توصیف فضایل پیامبر<sup>(ص)</sup> ظاهر گشته است. سوالات این است که: شمایل صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup> چگونه به نمادهای مقدس تبدیل شده‌اند؟ این صندل‌ها با چه ویژگی‌های بصری مصور شده‌اند؟ صندل‌ها در مقام آثار مقدس، محلی برای حافظه فردی و جمعی و یادآور خاطراتی هستند که آنها به همراه خود داشته‌اند. اشیاء مقدس به جای مانده، جزئی از حافظه تاریخی هستند. استفاده از یادگارهای مقدس توسط مسلمانان قرون وسطی، خاطرات قدیسی را بر روی اشیاء مقدس متمرکز و یادآوری می‌کرد، بنابراین به آنها معنای عمیقی می‌بخشید و زمینه احترام به آنها را ایجاد می‌کرد. نسخه‌های زیادی در رابطه با صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup> تصویر شده است، تکرار و تکثیر آنها در طی قرون و کارکردهای مختلف معجزه‌آسای آنها باعث شده به عنوان نمادی مقدس درآیند. مفاهیم خاصی به شمایل نعلین حضرت منتسب شده است: دفع بلا و مصایب، جلب خیرات و برکات، شفا، سعادت دنیوی و اخروی، بخشش گناهان و غیره، که بر قدسیت و اعجاز آمیزبودن آن (نزد معتقدان) صحنه می‌گذارند. به لحاظ ظاهر نیز می‌توان روندی ترتیبی و تحول‌گرا، از شمایل‌های ساده به سوی شیوه‌های پیچیده و تجمل‌گرا را در بین آنها مشخص نمود. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: صندل پیامبر<sup>(ص)</sup>، نعلین پیامبر<sup>(ص)</sup>، نمادپردازی مقدس، شمایل‌سازی اسلامی.

<sup>۱</sup> استاد، گروه تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

## مقدمه

احترام و اقبال به لوازم و وسایل شخصی قدسین و تصور برکات و خواص معجزه آسا برای آنها در بین مؤمنان و معتقدان به آنها، از دوران کهن رواج داشته است، همین امر سبب شده است تا مجموعه‌ای از اشیاء متبرک (واقعی یا جعلی) از پیامبران، قدسین، منجیان و راهنمایان مذهبی، تقریباً در بین همه سرزمین‌ها و تمدن‌ها وجود داشته باشد. این اشیاء متبرک می‌تواند همه‌ی ابزارهای مورد استفاده قدیسان از دستار، عمامه، عبا، عصا و کلاه گرفته تا وسایل کوچک شخصی و قسمت‌هایی از بدن نظیر: مو، ریش، ناخن را نیز شامل شود. از میان یادگارها و وسایل شخصی متبرک پیامبر (ص)، نقش نعلین یا صندل‌های ایشان (وحتی نقاشی‌های نعلین‌ها)، بیشتر در بین مؤمنان رواج داشته و در آثار هنری به ویژه در تصویرسازی نسخ خطی کتب دعا و فالنامه‌ها استفاده شده است.

سنت احترام و تقدیس جای پای قدسین در بین بسیاری از مذاهب و آیین‌ها و برخی از سرزمین‌ها از جمله هند دارای قدمت دیرینه و ریشه داری است. جای پای بودا در بسیاری از نقاط این کشور و سایر کشورهای آسیای شرقی که آیین بودا در آنها رواج دارد، مورد احترام و متبرک بوده است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم تمایل هنرمندان به تصویرسازی صندل پیامبر (ص) به جای قدمگاه، برای نشان دادن حضور ایشان و عدم نمایش جسمانی آن حضرت، به دلیل منع شریعت اسلام از به تصویر کشیدن پیامبر به شکل انسانی و جسمانی باشد، هرچند که متون دعانامه‌ها و فالنامه‌ها (نظیر فالنامه‌ی مصور مکتب قزوین) نیز در این میان نقش عمده‌ای داشته‌اند. البته تعدادی از قدمگاه‌های زیارتی پیامبر (ص) در برخی از جاها وجود دارد همانند صخره موجود در قبه الصخره. چنانکه گفته شد سابقه‌ی قدمگاه در سرزمین هند بسیار دیرینه است، و تعداد زیادی از آثار قدمگاه‌های بودا در آنجا وجود دارد. تقدیس آثار هنری مرتبط با قدسین تقریباً در همه‌ی ادیان و مذاهب وجود دارد. در فرهنگ اسلامی نیز احترام به قدمگاه‌ها وجود دارد، قدمگاه حضرت ابراهیم (ع) در مسجد الحرام یا قدمگاه امام رضا (ع) در نیشابور از مکان‌های زیارتی مسلمانان به ویژه شیعیان است.

پیشینه: بیشتر آثار مکتوب در باره‌ی صندل‌های حضرت محمد (ص) بیشتر در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری و معرفی آثار انجام گرفته است. نسخه‌های زیادی، به ویژه به زبان عربی، در باره‌ی یادگارهای متبرک و اشیاء مقدس به همراه تصویری از آنها منتشر شده است. احمد خامه‌یار در مقاله‌هایی با عنوان «تصویرپردازی آثار منسوب به پیامبر اسلام (ص) در دعانامه‌های مصور عثمانی (پیام بهارستان، ۱۳۹۲)، همچنین «رساله‌ها و تالیفاتی در باره‌ی نعلین پیامبر (ص)» (میقات حج، ۱۳۹۱) به معرفی کتاب‌ها و نسخه‌های خطی و محتویات آنها که در باره‌ی یادگارهای پیامبر (ص) و صندل‌های متبرک ایشان منتشر شده، پرداخته و تصویری از این آثار را آورده است. احمد تیمور، در کتاب «الأثار النبویة» ( دارالآفاق العربیة، ۲۰۰۱م) توصیفاتی در باره‌ی صندل‌های پیامبر (ص) ارائه می‌دهد. از مقالاتی که توضیحات تقریباً جامعی در باره‌ی تاریخ‌نگاری و نسخه‌های خطی پیرامون صندل‌های پیامبر (ص) بیان کرده است، مربوط به محمد علی عبدالحفیظ با عنوان «النعال النبویة بین السیرة والتاریخ والفن» (مجلة العمارة والفنون والعلوم الانسانیة، ۲۰۲۱م) است. ژوزف والید مری نیز مقالاتی در باره‌ی اشیاء متبرک و قدرت آن در نشریه دانشگاه آکسفورد (Oxford University Press, 2010) با عنوان «Relics of Piety and Power in Medieval Islam, Past and Present» چاپ نموده است.

روش تحقیق: روش تحقیق به کارگرفته شده توصیفی-تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است؛ داده‌های مورد نیاز از طریق کتب، نسخ خطی و سایت‌های معتبر علمی گردآوری شده است.

سوالات تحقیق: پرسش‌های مطرح شده این است که: شمایل صندل‌های پیامبر (ص) چگونه به نمادهای مقدس تبدیل شده‌اند؟ شمایل این صندل‌ها با چه ویژگی‌های بصری مصور شده‌اند؟

در پاسخ به این سوالات می‌توان گفت که نسخه‌های زیادی در رابطه با صندل‌های پیامبر (ص) تصویر شده است، تکرار و تکثیر آنها در طول قرون و کارکردهای مختلف معجزه آسای آنها باعث شده به عنوان نمادی

مقدس درآیند. مفاهیم خاصی به شمالی نعلین حضرت منتسب شده است: دفع بلا و مصایب، جلب خیرات و برکات، شفا، سعادت دنیوی و اخروی، بخشش گناهان و غیره، که بر قدسیت و اعجاز آمیز بودن آن (نزد معتقدان) صحه می‌گذارند. به لحاظ ظاهر نیز می‌توان روندی ترتیبی و تحول‌گرا، از شمالی‌های ساده به شیوه‌های پیچیده و تجمل‌گرا در بین آنها مشخص نمود.

### - یادگارهای متبرک و تقدیس‌گرایی صندل (نعلین) پیامبر (ص)

در اسلام همچون برخی از مذاهب و آیین‌های دیگر، یادگارها و اشیاء متعلق به قدسین، تجربیات خاص دینی را تجسم می‌کنند. قرن ششم هجری قمری/ دوازدهم میلادی نقطه عطفی تاریخی برای تکثیر آثار متبرک و اشیاء مقدس در سرزمین‌های اسلامی و مسیحیت غربی بود. در قرون اولیه‌ی مسیحیت تجزیه بدن قدسین یک قاعده بود<sup>(ص)</sup> این موضوع در تضاد با باور برخی از مسلمانان درباره‌ی اشخاص مقدس بود<sup>(ص)</sup> که به تجزیه‌ناپذیری بدن قدسین اعتقاد داشتند<sup>(ص)</sup>. در جنگ‌های صلیبی تحت رهبری نورالدین زنگی (۵۴۱ ق. ۱۱۴۶م - ۵۶۹ ق. ۱۱۷۴م). و جانشین او، صلاح‌الدین ایوبی (۵۶۹ ق. ۱۱۷۴م - ۵۸۹ ق. ۱۱۹۳م)، احیای آموزه‌های اسلامی تحت رهبری آنها و جانشینان آنها باعث رشد احترام به قدسین، از جمله پایه‌گذاری زیارتگاه‌ها و احترام به اشیاء متبرک در سوریه بزرگ، عراق و جاهای دیگر شد<sup>(ص)</sup> (Meri, 2010: 99).

در اسلام اعتقاد به تبرک یادگاری‌های مقدس، گونه‌ای از ارتباط معنوی عمیق با شخص مقدسی که این یادگارها و اشیاء زمانی متعلق به او بوده است را ایجاد می‌کند و سپس از آن طریق وی را به خالق وصل می‌کند. آثار مقدس نیز محل و محفظه‌ای برای حافظه فردی و جمعی هستند. معتقدان مسلمان برای حفظ یاد پیامبر (ص) و قدسین در نگهداری اشیایی که نماد پیوند ملموس بین آنها و شخص مقدس است، بسیار مشتاق بودند. استفاده از یادگارهای مقدس توسط مسلمانان قرون وسطی، یادآور خاطرات قدیس از طریق اشیاء مقدس مربوط به وی بود، بنابراین به این یادگارها معنای عمیقی می‌بخشید و زمینه احترام به آنها را ایجاد می‌کرد. اشیاء مقدس به جای مانده، جزئی از حافظه تاریخی هستند. این یادگارها در طول زمان نزد اشخاص مختلف جابجا شده‌اند. «یکی از اولین نمونه‌های شناخته شده از افرادی که یادگارها و چیزهای متبرک را در اختیار داشتند، معاویه خلیفه اموی (۴۱ ق. ۶۶۱م - ۶۰ ق. ۶۸۰م). است که ناخن پیامبر (ص) را به دست آورده بود. وی شرح می‌دهد که پیامبر یکبار پیراهنی به من پوشانید که من آن را کنار گذاشتم، و یک روز وقتی ناخن‌هایش را می‌چید، من تکه‌های آنها را برداشتم و در یک بطری گذاشتم. هنگامی که می‌میرم، آن پیراهن را به من ببوشانید و تکه‌های ناخن را خرد و پودر کنید و روی چشم‌ها و دهانم بپاشید، به این امید که خداوند به دلیل متبرک بودن آنها، به من رحم کند» (Margoliouth, 1937: 7-20). در احادیث آمده است که «صحابه و خاندان پیامبر عرق و آب وضوی او را جمع‌آوری می‌کردند. آنها همچنین به طور مرتب به دنبال تصاحب موهای ایشان بودند که در آب غوطه‌ور می‌شد و معتقد بودند برای درمان چشم درد یا بیماری‌های دیگر موثر است» (Meri, 2010: 104).



تصویر ۱- صندل پیامبر (ص) که در بخش امانات مقدس در موزه توپکاپی سرای استانبول نگهداری می‌شود (عبدالحفیظ، ۲۰۲۱: ۲۳۲۹)

«در سراسر جهان قرون وسطای اسلامی از اندلس و آفریقای شمالی تا سوریه، عراق، ایران و هند، احترام به یادگارها (ردپاها و اثر انگشتان) متعلق به پیامبران و دیگر افراد مقدس گسترده شده بود، پیامبرانی نظیر: حضرت محمد (ص)، خضر نبی (ع)، حضرت موسی (ع)؛ احترام به سنگ‌ها، غارها، صندل‌ها و ردپای مقدس که با آنها مرتبط بود» (Meri, 1999: 239).

در طول دوران مختلف، اعتقاد به معجزات الهی و خارق‌العادگی پیامبران بسیار رایج بوده است. در احادیث در باره‌ی حضرت محمد (ص) آمده است که بدن پیامبران فسادناپذیر است: «پیامبر (ص) فرمودند: «به راستی بهترین روز شما جمعه است، پس در این روز دعاهای فراوان بر من بخوانید، زیرا دعای شما به من نشان داده می‌شود»؛ [مردم] به او گفتند: ای رسول خدا! چگونه دعاهای ما پس از تبدیل شدن استخوان‌های شما به خاک به شما نشان داده می‌شود؟ ایشان پاسخ داد: «به راستی خداوند زمین را از خوردن اجساد پیامبران منع کرده است» (پیامبرانی که کتاب آسمانی بر آنها نازل شده است) (Meri, ۲۰۱۰: ۹۸). به همین ترتیب، اعتقاد بر این بوده که اجساد برخی از شهدا و افراد صالح، به لطف خدا فاسد نشدنی است. بنابراین، این اشخاص متبرک هستند و یادگارهای به جای مانده از آنان نیز می‌توانسته خواص اعجاز‌آمیز از جمله شفا را دارا باشند. نزد بعضی از مسلمانان، صندل به عنوان یک شی مقدس معجزه آسا می‌تواند برای کمک به حل مصائب شخصی یا شفای بیمار به خدمت گرفته شود. داشتن نقش رد صندل پیامبر (ص) برای صاحبان آن نعمت به همراه آورده، و آنها را از فتنه، دسیسه‌های دشمنان و شرارت شیطان یا چشم بد محافظت می‌کند. بعضی نیز با گذاشتن تصویر رد صندل روی محل درد و بدن تصور کاهش درد و نتایج معجزه‌وار تسلی و شفا را دنبال می‌کردند. اعتقاد بر این بود که پیامبر در سفر شبانه معروف خود و عروج به بهشت، عرش خدا را با صندل‌های خود لمس کرده است.

در باور برخی از مسلمانان پیامبر اکرم (ص) آثار پاهای برهنه خود را بر روی تعدادی از سنگ‌ها به جای گذاشته است. بعضی از این نقش پاها در همان محل که باقی مانده‌اند، حفظ شده‌اند و برخی از ردپاها جابه‌جا شده و بعداً در مساجد، زیارتگاه‌ها و مقبره‌های شخصیت‌های برجسته مسلمان حفظ گردیده‌اند. برخی از این ردپاها و نعلین‌ها جمع‌آوری شده و اکنون در موزه توپکاپی استانبول نگهداری می‌شوند (تصویر ۱). «گفته می‌شود که رد پای حضرت محمد (ص)، بر روی قطعه‌ای مربعی از سنگ آهکی باقی مانده است. اعتقاد بر این است که هنگامی که پیامبر (ص) در حال کمک به سنگ تراشان برای ساختن سنگی سنگین برای بنای کعبه بوده، رد پای ایشان باعث تورفتگی سنگ شده است» (Meri, 2010: 106).



تصویر ۲- نقش پای پیامبر (ص)، از کتاب دعای عثمانی، «کتاب دعا» نوشته‌ی حسن رشید، ۱۸۴۵ میلادی، ۲۷/۱ در ۴۶/۸ سانتی‌متر، موزه توپکاپی، استانبول (URL.7)

باور به اعمال معجزه‌وار نقش صندل‌های پیامبر (ص) در آثار و کتاب‌های اسلامی نیز منتشر شد و در کنار دعاها، اشعار، توصیف فضایل حضرت محمد (ص) و مدح ایشان ظاهر شدند (تصویر ۲). آنها به عنوان اشیاء متبرک و مقدس مرتبط با پیامبر (ص) در تعامل با خوانندگان کتاب و مؤمنان به آن عمل می‌کردند. در مواردی نقش رد صندل در نسخه خطی، توسط خوانندگان و شفاجویان چنان لمس می‌شده که تصویر تقریباً از بین می‌رفته و صدمه می‌دیده است.

تعداد زیادی از تصاویر صندل پیامبر (ص) در کنار دعاها تکثیر، منتشر و استقبال شده است، این موضوع را می‌توان از تعداد قابل توجه کپی‌های برجای مانده تا عصر حاضر نیز مشاهده نمود. محتویات دعاها به اندازه کافی قدرتمند بودند تا بتوانند میزان تاثیرگذاری نقش اشیاء متبرک و به ویژه رد صندل پیامبر (ص) را در شفا، شفاعت و جلوگیری از مصیبت و بلا و بیماری را بیشتر و باورپذیرتر کنند. طرح کلی نقش صندل‌ها بیشتر خلاصه‌نگاری شده و به عنوان نمادی مقدس از تبرک و شفا درآمده و گاهی نقش تعویذ و رفع بلا را نیز برعهده گرفته است. باور بر این بوده است که اشیاء متبرک و این تصاویر با اصل غایب آن، ارتباط برقرار می‌کند؛ در این مفهوم آنها قدرت خود را از اصل خودشان دریافت می‌کنند. بنابراین بسیار کارا و موثر واقع شده و دعاها و حاجات برآورده خواهند شد.

صندل‌های پیامبر (ص) از مشهورترین یادگارها و اشیاء متبرک در بین مسلمانان بوده و به سبب انتساب خیرات و برکات به آنها، مورد احترام بسیاری از مسلمانان بوده است. «قدیمی‌ترین گزارش تایید می‌کند که احترام به صندل‌ها به دوران خلافت المهدی (۷۷۵-۷۸۵ هجری قمری) برمی‌گردد، زمانی که وی صندل‌های پیامبر را از یکی از افرادش دریافت کرده بود و او بلافاصله آن را بوسیده و بر روی چشمانش گذاشته بود» (Meri, 2010: 107). گفته می‌شود که «دو قرن بعد یعنی در قرن دهم هجری، آنها نزد امام مسجد شهر الخلیل فلسطین نگهداری می‌شده است» (Goldziher, 1971: 327). المالک اشرف موسی (۱۲۲۹-۱۲۳۷ ه. ق.) سلطان ایوبی دمشق، تصمیم گرفت که صندل را در دارالحدیث اشرفیه، مدرسه‌ای که برای آموزش سنت‌های حدیثی بنا کرده بود، به نمایش بگذارد. بدین ترتیب، مؤمنان می‌توانستند برای اقامه نماز و دعا به نزدیکی صندل بیایند و از برکات آن و دعای خیر پیامبر (ص) مستفیض شوند (Mouton, 1993: 246).

احمد ابن محمد المقاری التلمسانی (۱۵۷۷-۱۶۳۲ میلادی)، مورخ و دانشمند الجزایری در کتاب «فتح المتعال فی مدح النعال» نوشته شده به سال ۱۰۲۰ هجری قمری در مصر، مجموعه‌ای از توصیف‌ها، نقاشی‌ها و اشعار در باره‌ی صندل پیامبر (ص) را گردآوری کرده است. وی در بخشی از کتاب می‌نویسد که: «محققان اسلامی آفریقای شمالی و اندلس از قرن دوازدهم به بعد به طور منظم به دمشق سفر می‌کردند تا صندل [که در دمشق نگهداری می‌شده است] را ببینند و کپی‌های دقیقی از آن روی کاغذ تکثیر کنند. از آن زمان، این تصاویر در غرب جهان اسلام، در بین مؤمنان که قادر به سفر به مشرق نبودند، منتشر و دست به دست می‌شده است» (Al-maqqari, 2006: 289).

اعتقاد بر این بود که این نسخه‌های کپی شده دارای ویژگی‌های درمانی مشابه خود صندل هستند. ابن عساکر (متوفی ق ۶۸۶/۱۲۸۷ م)، محقق دمشقی و عالم به احادیث، روایات شیخی به نام ابوجعفر احمد بن عبدالمجید را ذکر می‌کند که بر نعمت‌های اعجازانگیز نسخه‌های صندل تأکید می‌کند: «من نسخه کپی [این صندل] را برای یکی از شاگردانم بردم. [یک روز نزد من آمد] و گفت: دیروز شاهد یک شگفتی از برکت‌های این صندل بودم. همسرم از دردی رنج می‌برد که تقریباً داشت جان او را می‌گرفت. [تصویر] صندل را روی نقطه دردناک گذاشتم و گفتم: خدایا، نعمت (برکت) صاحب این صندل را به من نشان بده. خدا او را فوراً شفا داد» (Ibn Asakir, 1998: 25).

در قرن دهم ه. ق. / شانزدهم م. نیز اعتقادات مشابه آپتروپاییک (دفع بلا و جلوگیری از بدشانسی) و اعمال عبادی در مراکش وجود داشت (Schimmel, ۱۹۸۵: ۴۱). این اعتقادات در مراکش پابرجا بود تا زمانی که فقیه

مشهور مالکی، احمد بن یحیی الوائشاریسی (متوفی ۹۱۴ ه. ق. / ۱۵۰۸ م.)، با فتوای خود، برخی از انواع ستایش پیامبر (ص)، از جمله احترام به صندل‌های او را محکوم و ممنوع کرد (Abid, 2021: 334).

برخی از حکام از این صندل‌ها به واسطه‌ی اعتقادات مردم به آنها، استفاده‌های زیادی برده‌اند، بنابراین، این صندل‌ها تأثیرات تاریخی نیز داشته‌اند. از جمله رویدادهای تاریخی مربوط به این صندل‌ها که در منابع تاریخی نقل شده این است که: «خشکسالی بزرگی در ۱۰۹۱ ه. ق. / ۱۶۸۰ م. به مراکش رسید و مردم بارها دعای باران کردند، ولی باران نزول نکرد، مردم را اضطراب، اندوه و ناامیدی فراگرفت، شیخ الاسلام عبد القادر بن علی الفاسی الفهري، به ساکنان شهر فاس توصیه کرد نماز باران را دوباره بخوانند، اما به شرطی که صندل‌های پیامبر (ص) که در اختیار حسینین بزرگوار بوده است در کنار نمازگزاران باشد و فرزندانش پیامبر (ص) نیز در میان نمازگزاران باشند. واعظ و خطیب معروف محمد العربی بن احمد اندلسی، هنگامی که نماز بارانی را در نمازخانه باب الحمرا در داخل باب الفتوح در فاس انجام می‌داد، از این توصیه پیروی کرد و بعد از توسل به خطبه‌ی پیامبر (ص) و خاندان ایشان، و برنگشتن نمازگزاران به خانه‌های خود، باران شدیدی بارید، و رحمت خداوند مردم و کشور را فراگرفت» (بن احمد، ۲۰۱۷: ۵۰۶). «صندل‌ها زمینه رقابت بین خانواده‌های حاکم در جهان اسلام (مانند عثمانی و سعودیان) در مراکش بود. از آنها برای رهایی از وحشت آشوب‌ها و درگیری‌ها نیز استفاده قرار می‌شد، همانطور که در فاس (مراکش) هنگامی که مردم در هنگام آشوب و اغتشاشی که در زمان سلطان ابی المعالی زیدان السعدی در ۱۰۲۰ هجری قمری رخ داد، صندل‌های پیامبر (ص) را روی سر خود گذاشتند» (عبدالحفیظ، ۲۰۲۱: ۲۳۲۵).

کتاب‌های سیره و شمایل، و کتاب‌های سنت، اطلاعات مفصلی در مورد صندل‌هایی که پیامبر (ص) می‌پوشید، ارائه می‌دهد. «پوست گاو دباغی شده با دوام‌ترین چرم بود و صندل‌های ساخته شده از آن بدون مو بوده و «النعال التَّیْبَتِیَّة» نامیده می‌شدند؛ پیامبر (ص) یک صندل معروف به «النعال الحضرمیه»- همانند بقیه اعراب- بر پای می‌کردند که به «النعال المخصره» نیز معروف بود و از طرفین باریک می‌شد، گویی کمر خود را از دست داده بود» (المقری، ۱۹۹۷: ۱۴۴). «گزارش شده است که عبدالله بن مسعود صحابه‌ی پیامبر (ص)، صاحب صندل‌های پیامبر (ص) بوده و هنگامی که پیامبر (ص)، آنها را می‌پوشید، وی برمی‌خواست و هنگام نشستن ایشان، آنها را در آغوش خود قرار می‌داد. در کتاب‌های سیره‌ی نبوی آمده است که پیامبر (ص) صندل‌های خود را تمیز می‌کردند» (Al-byhaqi, 1988: 435).

منابع تاریخی نشان می‌دهد که پیامبر (ص) صندل‌های متعددی داشتند که توسط مسلمانان در طول اعصار دست به دست گشته و منتقل شده‌اند: اول: صندلی که نزد عایشه بود، سپس به خواهرش ام کلثوم بنت ابی بکر الصدیق رسید، سرنوشت این صندل تاکنون مشخص نشده است؛ دوم: نعلینی که در مدینه بود و با فاطمه بنت عبدالله بن عباس بود، و المقری در کتاب خود «فتح المتعال فی مدح النعال» از آن نام برده اما سرنوشت آن را فاش نکرده است (تیمور، ۲۰۰۱: ۸۷)؛ سوم: یک جفت صندل که در اختیار شداد بن اوس انصاری صحابه رسول الله بود که پس از او به اولاد وی، پسرش «محمد» و دخترش «خزرج» منتقل شد، سرنوشت این صندل پس از دوران المهدی خلیفه عباسی نیز ناشناخته است (عبدالحفیظ، ۲۰۲۱: ۲۳۳۱)؛ چهارم: صندل‌هایی که در دارالحدیث اشرفیه دمشق وجود داشت و یکی بودند؛ این صندل‌ها در واقع نزد ام المومنین میمونۃ بنت الحارث الهلالیه بود، تا به بنی ابی الحدید به ارث رسید (الذهبی، ۱۹۹۳: ۳۰۸)؛ پنجم: یک تکه از صندلی که توسط قاضی زین الدین عبدالباسط نگهداری می‌شد و او همیشه آن را به عنوان وسیله‌ای برای برکت در عمامه خود حمل می‌کرد (ابن تغزی بردی، ۲۰۰۳: ۳۸۰)؛ ششم: یک صندل در «المدرسة الدماغیة» در دمشق بود، النعیمی از علامه بدر الدین ابن مکتوم نقل می‌کند که لنگه‌ی راست صندل در این مدرسه، و لنگه‌ی چپ آن در الأشرفیه است، تیمور لنگ هنگام حمله به دمشق هر دو لنگه را گرفت (النعیمی، ۱۹۹۰: ۲۲۸)؛ هفتم: یک صندل متعلق به مادر سلطان منصور السعدی که توسط علامه البوسعیدی

در کتاب «یمن النوال فی وصف النعال» ذکر شده است؛ هشتم: صدنلی است که در دار الشرفاء الطاهریین در شهر فاس در مراکش نگهداری می‌شد، و گفته می‌شود که در اصل در اختیار خلیفه عثمان بن عفان بود، سپس به معاویه بن ابی سفیان رسید و نزد اعضای خانه اموی ماند (بن احمد، ۲۰۱۷: ۵۰۴).

#### -نسخ خطی تالیف شده

صدنل‌های پیامبر (ص)، در مقایسه با دیگر اشیاء متبرک منسوب به پیامبر (ص)، بیشتر مورد توجه مسلمانان قرار گرفته است و درباره آن رساله‌ها و تألیفات مستقلی نگاشته شده است. یکی از مظاهر علاقه مسلمانان به صدنل‌های پیامبر (ص) تحریر کتاب‌های مستقل در مورد زندگی نامه پیامبر (ص) و وصف اشکال صدنل‌ها، تعداد، رنگ و مدل‌های آنها بوده است.

کتاب فتح المتعال فی مدح النعال تألیف ابوالعباس احمد بن محمد المقرئ. از علمای بزرگ مراکش (۱۵۷۸-۱۶۳۲ م)، از نمونه‌های معروف آن است. وی در این کتاب، به توصیف صورت‌های مختلف نعلین پیامبر (ص) و خواص و برکات، همچنین دفع بلاها و مصائب، و احادیث مطرح درباره آن پرداخته است. «نام کامل این اثر «فتح المتعال فی مدح النعال المتشرفة بخیر الأنام علیه أفضل الصلاة والسلام ووصف المثال و ما یتبعه من الکلام» است و بی تردید مهم‌ترین اثری است که در باره نعلین پیامبر (ص) نگارش یافته است. مؤلف این اثر، ابوالعباس شهاب الدین احمد بن محمد بن احمد تلمسانی، معروف به «مقرئ» (۹۸۶ یا ۹۹۲-۱۰۴۱ ه.ق.)، از علمای بزرگ مغرب در نیمه اول قرن یازدهم هجری است و از وی تألیفات دیگری نیز به جای مانده که مشهورترین آن، «نفح الطیب من غصن الاندلس الرطیب» است» (خامه یار، ۱۳۹۲: ۱۸۶).

کتاب «فتح المتعال فی مدح النعال» به لحاظ مطالب جامعی که از احادیث، اشعار، شرح حال، تاریخ و توصیف صدنل‌های رسول (ص) گردآوری کرده، از اهمیت و محبوبیت بالایی برخوردار بوده است. المقرئ کتاب‌های دیگری در این زمینه نیز دارد از جمله: «نفحات العنبر فی وصف نعل ذی العلاء والمنبر»، و یا «النفحات العنبریه فی نعل خیر البریه» که شامل منظومه اشعار و نثر در باره صدنل‌های پیامبر (ص) است. در این کتاب، المقرئ همچون فتح المتعال روایاتی درباره نعال پیامبر (ص) و توصیف تصاویر مختلف موجود از صدنل‌های منسوب به پیامبر (ص)، اشعار و قصایدی در مدح صدنل‌های پیامبر (ص) و همچنین درباره خواص و منافع آنها نگاشته است.

«کتاب المقرئ در مورد صدنل، مقدم بر کتاب‌های دیگر بوده است؛ از جمله آنها می‌توان به کتاب «نور العینین فی تحقیق ال نعلین» نوشته‌ی قاضی ابی عبد الله محمد بن عیسی المغربی السبئی المالکی (متوفی ۵۰۵ ه.ق./۱۱۱۱ م.) اشاره کرد؛ و همچنین کتابی در همین زمینه توسط الشیخ أبو إسحاق ابراهیم بن محمد بن ابراهیم السلمی الأندلسی، تألیف شده اما این کتاب در دسترس نیست و عنوان آن نیز مشخص نیست، با وجود این، الحافظ بن عساکر (متوفی در ۶۸۶ ق/ ۱۲۸۷ م.)، مورخ مشهور و نویسنده کتاب «تاریخ دمشق»، بخش‌های زیادی از این کتاب را به وسیله‌ی نوشته‌های خود انتقال داده است» (عبدالحفیظ، ۲۰۲۱: ۲۳۲۷). از دیگر نمونه‌ها: کتاب «تمثال نعلی النبی صلی الله تعالی علیه وسلم» از امام الحافظ مسند خراسان ابی روح عبد المعز بن محمد الهروی (درگذشته ۶۱۸ ق/ ۱۲۲۱ م.)، (المقرئ، ۱۹۹۷: ۲۲)؛ کتاب «نتیجه الحب الصمیم وزکاة المنثور والمنظوم» نوشته‌ی الحافظ العلامة ابی الربیع سلیمان بن موسی بن سالم الکلاعی البلسنی الأندلسی معروف به ابن سالم (متوفی ۶۳۴ ق/ ۱۲۳۷ م.)؛ «صفة نعل النبی (ص)» نوشته‌ی شیخ الإسلام أحمد بن محمد بن ابی بکر الفارقی (تالیف ۶۸۳ ق/ ۱۲۶۴ م.)؛ «اللائئ المجموعه من باهر النظام وبارع الکلام فی وصف مثال نعلی رسول الله علیه أفضل الصلاة والسلام» از فقیه و محدث اندلسی عبد الله بن محمد بن هارون الطائی القرطبی الأندلسی (متوفی ۷۰۲ ق/ ۱۳۰۳ م.)؛ «خادم ال نعل ال شریف» تالیف امام جلال

الدین عبد الرحمن السیوطی (متوفی ۹۱۱ ق. / ۱۵۰۵ م.)؛ «رسالة الصفا في وصف نعال المصطفى» از احمد بن سلیمان بن کمال پاشا شمس الدین (متوفی ۹۴۰ ق. / ۱۵۳۴ م.) (عبدالحفیظ، ۲۰۲۱: ۲۳۲۸).

در طول قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری، تعداد زیادی کتاب با موضوع صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup> ظاهر شدند. آنها عمدتاً بر اساس کتاب «فتح المتعال في مدح النعال» اثر المقری نوشته شده بودند. از میان آنها، می‌توان به کتاب «روضه الصفا في وصف نعل المصطفى» نوشته احمد بن سلیمان زاده طرابلسی (متوفی ۱۲۷۵ ق. / ۱۸۵۹ م.)، اشاره نمود که نسخه‌ای خطی از آن در کتابخانه موزه توپکاپی سرای در استانبول نگهداری می‌شود «Gruber, ۲۰۰۹: ۱۳۷»؛ همچنین کتاب «الروض المأنوس في مدح نعال أشرف رسل الملك القدوس» نوشته‌ی هاشم بن یوسف النحریری الشافعی (درگذشت پس از ۱۸۵۶ م.)؛ در کتابخانه جلال الدین البری در مکه مکرمه نسخه‌ای خطی از نویسنده‌ای ناشناس وجود دارد که در قاهره به سال ۱۲۴۳ ق. / ۱۸۲۷ م.، با عنوان «الآثار في نعال النبي المختار» نوشته شده است (عبدالحفیظ، ۲۰۲۱: ۲۳۲۸).

کتاب دعای معروف به دلایل الخیرات (با نام کامل آن «دلایل الخیرات و شوارق الانوار فی ذکر الصلاة علی النبی المختار» مجموعه مدایح و دعاهایی برای حضرت محمد<sup>(ص)</sup> بود که پس از قرآن به پرشمارترین متن مذهبی و عبادی در میان اهل سنت تبدیل شده بود. متن آن در مغرب توسط صوفی و عارف مراکشی، محمد بن سلیمان الجزولی (متوفی ۱۴۶۵ م.)، در قرن نهم هجری، در مدح و ثنای پیامبر<sup>(ص)</sup> و بیان فضائل آن حضرت نوشته شده که برای کسب رضای خدا و محبت و رضای پیامبر<sup>(ص)</sup> آن را «دلایل الخیرات» نامیده است. وی در این کتاب به صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup> پرداخته و آن را دارای خیر و برکت دانسته است. علاقه به نوشتن کتاب در مورد صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup> در سده بعدی نیز تداوم پیدا نمود.

#### -نمادگرایی مقدس صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup>

قدسیت بخشیدن به یادگارها و صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup> در طول قرون (حتی با وجود برخی از مخالفت‌های فقه‌ها و مجتهدان) روال خود را طی کرده است. از جمله معجزاتی که به طور عام به پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> نسبت داده می‌شود این اعتقاد است که صندل‌های ایشان اثری در شن‌ها باقی نمی‌گذاشته است. تصویری از صندل، احتمالاً به عنوان یک حرز استفاده می‌شده و همیشه بر روی بدن فرد حمل می‌شده است. این نسخه‌ها همچنین می‌توانستند در خانه‌ها آویزان شوند تا ساکنان آن را از چشم بد و مزاحمان محافظت نماید. این تک‌برگ‌های تصویری و یا کپی‌های آنها در شمال آفریقا بسیار محبوب بوده‌اند.

#### -تک صندل‌ها با طرح‌های ساده

در بسیاری از نسخه‌های خطی آثار تألیف شده درباره نعلین پیامبر<sup>(ص)</sup> صورت‌های مختلفی از صندل‌های آن حضرت رسم شده است. در برخی از نسخ دعانامه‌ها، تصویر صندل پیامبر<sup>(ص)</sup> يك صفحه کامل (اغلب در صفحه روبه‌روی نقش رد کف پا) (تصویر ۳)، یا به صورت افقی در دو صفحه‌ی روبه‌روی هم (تصویر ۶)، را به خود اختصاص داده است. در بیشتر نسخه‌ها، عبارت‌های تأکیدی بر قدسیت آنها، نظیر: «هذا نعلین شریف» در سرلوح بالای صفحه نگاشته شده، و در بالای تصویر قدم نیز عبارات «هذا قدم شریف» یا «هذا رسم قدم شریف» جای گرفته است. زمینه صندل در اغلب نسخه‌ها، تذهیب و تزیین شده است ولی پس‌زمینه‌های ساده و بدون تزیین (تصویر ۳ و ۴) نیز مشاهده می‌شود. گاهی طرح تک صندل‌ها نیز ساده و بدون آرایش فرمی و خطی هستند که باعث شده است تا تنها خود صندل نمود پیدا کرده و تاثیر خود را در عین سادگی بر مومن معتقد بگذارد و احساس ساده‌ای از تقبل دعا و انجام آرزو را انتقال دهد. در نمونه‌هایی نیز بندهای چرمی صندل دیده می‌شود. در برخی از نسخه‌ها، اطراف صندل با نقوش اسلیمی تزیین یافته

و در داخل صندل، بریده‌هایی از آیات قرآن و یا کتیبه‌های دعا به زبان عربی یا ترکی کتابت شده است از جمله دعای «اعوذ بکلمات الله التامات کلها من شر ما خلق» (پناه می‌برم به همه کلمات کامل خدا از گزند مخلوقاتش) در تعدادی از این شمایل صندل‌ها، در کادر وسط آنها کتیبه‌ای دیده می‌شود با این مضمون: امرغ فی المثال بیاض وجهی فقد جعل النبی لها قبال و ماحب النعال شقفتی قلبی ولکن حب من لبئس النعال؛ من سفیدی صورتم را به صندل می‌مالم، زیرا خود پیامبر (ص) آن را در مقابل خود قرار می‌داد این مطمئناً نشانه عشق به صندل نیست، بلکه به کسی است که آن را پوشیده است (تصاویر ۶، ۵). بنابراین، شکل نعلین می‌تواند به اندازه‌ی خود صندل پیامبر (ص) اصیل و شریف باشد و می‌تواند جانشین آن شود. این نوشته نمونه‌ای از متن‌هایی است که در توجیه تقدیس صندل و نمادپردازی آن با صراحت بیان شده است. به طور کلی، اشیاء متبرک به عنوان آثار باقیمانده شخصیتی مقدس است که در حافظه فردی یا جمعی به عنوان یک تصویر یا شیئی مقدس مورد احترام قرار می‌گیرد. از همین رو، تصویر صندل، فراتر از عملکرد طلسم یا تعویذ بوده، و در واقع خاطره و یاد پیامبر (ص) را زنده می‌کند و بین صالحان و مؤمنان، و ایشان پیوند نزدیکی برقرار می‌کند. کتیبه‌ها و نوشته‌هایی که در داخل و روی طرح کلی یا خطوط عریض دورگیری صندل معمولاً قرار می‌گیرند، نشان دهنده تقدس مرتبط به تصویر صندل و مفاهیم آنهاست.

#### - تک صندل‌ها با نقوش پیچیده‌ی تزئینی و کتیبه‌نگاری

گونه‌ی دیگری از تک صندل‌ها، در زمینه‌ای از نقوش تزئینی گیاهی پیچیده و منقبض قرار گرفته‌اند و گاه چنان به نظر می‌رسند که خود به لحاظ فرمی جزئی از زمینه هستند. یک نسخه منحصر به فرد و مزین و مُدّه‌ب دیگری از کتاب دلائل الخیرات الجزولی متعلق به ۱۲۵۴ هجری قمری موجود است که در کلکسیون خلیلی نگهداری می‌شود و کتیبه « امرغ فی المثال بیاض وجهی فقد جعل النبی لها قبال و ماحب النعال شقفتی قلبی ولکن حب من لبئس النعال» در آن نیز همانند نسخه‌ی کتابخانه ملی فرانسه، در وسط صندل قرار گرفته و از تزئینات استیلزیه گیاهی بهره برده است (تصویر ۶). در صفحات اولیه کتاب، نام الله و محمد در ابتدا یا انتهای صفحه متن قرار گرفته، و روی جداول جداگانه و کاملاً تزئینی نوشته شده‌اند. یک صفحه افتتاحیه مذهب، دو صفحه با عنوان اثر، و عناوین متعدد در متن، دو نقشه نمودار الحجره الشریفه، با مقابر پیامبر (ص)، ابوبکر و عمر، و الروضه المطهره، و همچنین محراب و منبر پیامبر (ص)، در مسجد النبی در مدینه، به همراه تصویری از صندل پیامبر (ص) در این کتاب وجود دارد.



تصویر ۳- نقش قدمگاه و صندل پیامبر (ص)، کتاب تحلیل القرآن و العادیات، ۱۲۹۱ هجری قمری / ۱۸۷۴ میلادی، دوره‌ی عثمانی. کتابخانه‌ی عمومی نیویورک، کلکسیون دیجیتال. (URL.1)



تصویر ۴- رساله‌ای بر صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup> (فتح المتعال فی مدح النعال)، ابوالعباس المَقَرّی، ۱۰۷۱ ه. ق. ۱۶۶۱/م. ۳۰۲، در ۲۱۲ میلی‌متر، مرکب و طلاکاری روی کاغذ، ۱۲۱ برگ، صحافی چرم، متن عربی با خط نسخ، ۴ طرح از صندل پیامبر، کتابخانه چستر بییتی (URL.2)

متونی که در برخی از تصاویر صندل‌ها نوشته شده به وضوح دلیل احترام و تبرک آن را نزد معتقدان به آن نشان می‌دهند. در برخی از نسخ خطی کتاب‌های دعا، جای جداشدگی برگه‌هایی مشهود است که احتمال بسیار زیاد مربوط به تصاویری است که کنده شده‌اند تا به عنوان تصاویر مستقل حرز و تعویذ استفاده شوند. این موضوع نشان می‌دهد که اغلب این تصاویر منحصر به متن وابسته نیستند و در برخی موارد حتی می‌توانند کاملاً مستقل عمل کنند. از این منظر، این تصاویر به دلیل ویژگی‌های شبه درمانی و درمانی متصور شده برای آنها استفاده می‌شوند، زیرا آنها قدرت شفابخش پیامبر و برکات او را دارند. علاوه بر این، باور به اینکه این نسخه‌ها یا برگه‌های منقوش به صندل‌ها یا اشیاء مقدس می‌توانسته از ابتلای به بلا و مصیبت صاحب آن جلوگیری نماید، باعث سفارش ساخت آنها از سوی حکام یا اشخاص حکومتی و نظامی نیز بوده است. نسخه‌ای از «دلایل الخیرات الجزولی» که به سال ۱۶۹۸ میلادی ساخته شده و اکنون در کتابخانه‌ی ملی فرانسه نگهداری می‌شود (تصویر ۶)، نسخه بسیار نفیسی است که «برای یک رهبر نظامی اجرا شده و مشخصه نسخه‌های خطی مغرب در قرن هجدهم را داراست. خوشنویسی کاملاً متناسب با تزیینات و اشکال استیلیزه عربی دارد، و رنگ‌آمیزی آن متفاوت از مواردی است که در ایران یا ترکیه به طور هم‌زمان استفاده می‌شده است» (URL.9). نقش نعلینی که در آن تصویر شده به صورت دو صفحه‌ای رویه‌رو است و از تزیینات غنی گیاهی و کتیبه‌های خوشنویسی برخوردار است.

هنرمندان در جهت تکثیر و نشر ویژگی‌های پیامبر<sup>(ص)</sup>، با غنی‌سازی تصاویر ابتدایی دلایل الخیرات با الگوهای شمایل‌نگارانه جدید، از محدودیت‌های متنی که توسط الجزولی تعیین شده بود، به طور هدفمند فراتر رفتند. احتمالاً به همین دلیل است که تصاویر صندل پیامبر<sup>(ص)</sup> در تعداد زیادی نسخه خطی اضافه شده است. در واقع، تصویر صندل‌ها از نیمه دوم قرن یازدهم ه. ق. / هفدهم م. نمایش داده شده است، حتی اگر به هیچ قسمت خاصی از متن کتاب نیز مربوط نبوده باشند (Abid, 2021:334). در آفریقای شمالی و به طور ویژه در مراکش، نمونه‌های عالی از نسخه‌های دلایل الخیرات جزولی در قرون دوازدهم و سیزدهم هجری به طور فزاینده‌ای تولید می‌شد. این مجموعه متون عبادی به یاری بسیاری از تصاویر، تذهیب و خوشنویسی‌های باشکوه و همچنین به‌کارگیری گسترده از رنگ طلایی برای برجسته کردن کلمات مهم و تذهیب حاشیه‌های آن، شاخص و متمایز شده بود. چینش و طرح بندی و سبک تذهیب و آرایه‌های آن به نحوی است که می‌تواند نه تنها به خواننده در یافتن فصل‌ها و بخش‌های لازم برای ذکرخوانی و مدح پیامبر<sup>(ص)</sup> کمک کند، بلکه تشخیص بخش‌های مرتبط با پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup>، مانند نام‌ها، شجره‌نامه، صندل پیامبر<sup>(ص)</sup> و

روضه «باغ متبرک» در مدینه که پیامبر (ص) و یارانش در آنجا دفن شده‌اند، را نیز تسهیل می‌کند.



تصویر ۵- سمت چپ، صندل‌های پیامبر (ص)، دلائل الخیرات الجزولی، ۱۶۹۸ میلادی، مغرب، ۲۲ در ۱۶/۵ سانتی متر، کتابخانه ملی فرانسه، پاریس. (URL.9)



تصویر ۶- نسخه‌ای عالی از کتاب دلائل الخیرات الجزولی، نقش رد صندل پیامبر (ص)، ۱۲۵۴ ه. ق. ۱۸۳۸ م، مرکب و آبرنگ روی کاغذ، ۲۳ در ۱۸ سانتی متر، کلکسیون خلیلی. (URL.8)

استفاده تزئینی و نمادین از فضاهای بیرونی و داخلی نعلین‌ها در برخی موارد پیچیده و پرتجمل شده است. در نمونه‌ای از آنها (عثمانی، قرن ۱۸ میلادی) یک جفت نعلین تصویر شده که دارای کتیبه‌های خوشنویسی در کادر مستطیلی است؛ حاشیه بیرونی نعلین‌ها با طلاکاری تخت و بی‌آرایش، از زمینه شلوغ و پوشیده از تزئینات گیاهی و هندسی، متمایز شده است. تزئینات بیرونی در داخل نعلین استفاده شده است (تصویر ۸).



تصویر ۷- نقش دوتایی صندل‌های پیامبر (ص)، کتاب متعال النعال النبوی الشریفه، کتابخانه‌ی سلطنتی مراکش (URL.3).



تصویر ۸- نقش دوتایی صندل‌های پیامبر (ص)، قرن ۱۸ میلادی، عثمانی، جوهر و مرکب و طلاکاری (URL.6).



تصویر ۹- صندل پیامبر (ص)، قرن ۱۷-۱۸ میلادی، جوهر قرمز و سیاه روی کاغذ رنگی، با مدح پیامبر محمد (ص) به خط مغربی سفید روی زمین آبی، نمودار منبر مسجد پیامبر (ص) در مدینه و حرم، یک ترکیب بندی هندسی در مرکز، ۲۶/۴ در ۱۶/۷ سانتی متر، مراکش. (URL.4)



تصویر ۱۰- صندل پیامبر (ص)، قرن ۱۸ میلادی، گواش روی کاغذ، از یک نسخه خطی مصور، رد صندل با نوک تیز، شامل نمودار کعبه و مقام ابراهیم در بالا، یک فرم مربعی در زیر، نقش صندل با دعاهایی به خط مغربی سفید روی زمینه‌ی آبی، دو مربع به خط کوفی هندسی با نوشته‌ی برکه محمد، ۲۶/۳ در ۱۶/۳ سانتی متر، مراکش. (URL.5)

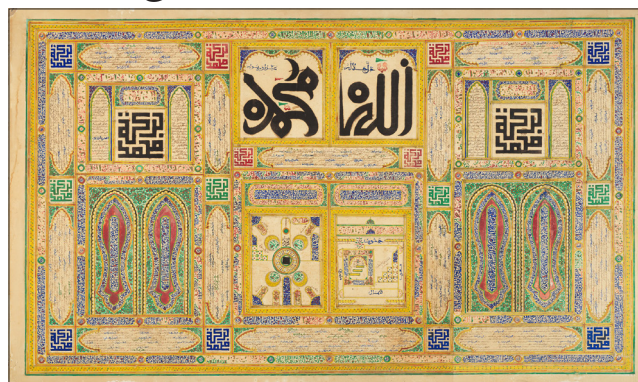
تزیینات فضای داخلی به تدریج با اشکال نمادین هندسی با مفاهیم استعاره‌ای در کنار تزیینات گیاهی پوشیده می‌شوند. خطوط کناره نمای صندل‌ها با کمی عریض شدن جایی برای قرارگیری متون خوشنویسی شده مرتبط با موضوع را فراهم می‌کنند. کتیبه‌هایی به خط کوفی «برکه محمد» به منظور جلب خیر و برکت

پیامبر<sup>(ص)</sup> در صفحه جای گیر می‌شوند. نمادهایی متبرک از کعبه، مقام ابراهیم<sup>(ع)</sup> و منبر مسجد النبی در داخل نعلین‌ها در هماهنگی با سایر نقشمایه‌های موجود ترسیم می‌شوند (تصاویر ۱۰ و ۹). کتیبه‌های «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» نیز در داخل نعلین بر تقدس آن می‌افزاید.

### -صندل‌های جفتی با نقوش تزئینی و حلیه نگاری

صندل‌ها همیشه به صورت تک لنگه ترسیم نشده‌اند، در نسخه‌ی کتاب «متعالم النعال النبوی الشریفه» که در کتابخانه‌ی سلطنتی مراکش محفوظ است، یک جفت صندل در کنار هم تصویر شده‌اند. در داخل صندل‌ها، فرم‌هایی شبیه بندهای چرمی نعلین‌ها نیز دیده می‌شوند، فضای بین دو نعلین با آرایه‌های ظریف گیاهی در زمینه‌ای آبی رنگ اشغال شده است (تصویر ۷).

نقش صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup> علاوه بر اینکه در کتب و نسخ خطی ظاهر شدند، به صورت برگه‌های مستقل یا در طومارهای یادگاری، حلیه نویسی، بر روی کاشی‌کاری‌ها و سایر سطوح نیز به نمایش درآمدند.



تصویر ۱۱- کتیبه‌های خوشنویسی، تصاویر مکه و مدینه و صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup>، اواخر قرن ۱۳ و اوایل ۱۴ هجری، مرکب و رنگ و طلا روی کاغذ، مراکش، ۸۹/۵ در ۱۴۹/۹ سانتی متر، موزه هنر هاروارد کمبریج. (URL.11)

یک پانل بزرگ که در وِزَن (کزان)، مراکش کار شده، به بخش‌های مستطیل شکلی تقسیم گردیده که حاوی کتیبه‌های عربی در رنگ‌ها و خطوط مختلف (نسخ، ثلث، محقق، رفاع، کوفی و مغربی) است. این کتیبه‌ها

عبارت‌اند از: آیاتی از سوره‌های متعدد قرآن؛ شهادتین، دعاها؛ نوشته‌های منظوم و منثور عبادی مختص به حضرت محمد (ص)؛ فهرست الفبایی از نام رزمندگان نبرد بدر در جنگ‌های مقدس مسلمانان؛ حدیث «عَشْرَةٌ مُبَشِّرَةٌ» (فهرست ده تن از یاران پیامبر (ص) که بهشت به آنها وعده داده شده بود)؛ و شجره‌نامه حضرت محمد (ص) (تصویر ۱۱).

عبارت «برکت محمد» شانزده بار با خط کوفی نوشته شده است. این نوشته به طور برجسته دوبار با حروف سیاه بزرگ در دو طرف پانل و چهارده بار با حروف کوچک‌تر به رنگ‌های قرمز، سبز یا آبی نمایش داده شده است. در بالای مرکز تابلو، با حروف بزرگ خوشنویسی نوشته شده است: «الله جل جلاله» و «محمد عبدالله و رسوله». در کادرهای میانی مراکز مقدس به صورت نمادین و خلاصه شده نقاشی شده‌اند. در طرفین آنها، دو جفت نقش تجریدی از صندل‌های پیامبر (نعلین) وجود دارد. صندل‌ها با ابیات قصیده البراءة که توسط شاعر برجسته صوفی مصر، محمد بن سعید بوصیری، امام البصیری، (۶۰۸-۶۹۴ ه. ق.) سروده شده تزیین گردیده‌اند. این شعر پیامبر (ص) را می‌ستاید که به گفته‌ی البصیری با ظاهر شدن در خواب و پیچاندن او در عباي خود، او را فلج شده بود شفا داده است.

یک طومار زیبا و بسیار عالی که در ۸۳۶ هجری قمری کار شده و، یادگاری از حج است (زیارت مکه)، متعلق به زنی به نام میمونه است. این سند که با تصاویر مکه و دیگر نقاط دیدنی در مسیر مزین شده است، سند جالبی است که اطلاعات مذهبی و جغرافیایی را با هم ترکیب می‌کند (تصویر ۱۲). این طومار مصور نشان می‌دهد که میمونه دختر محمد بن عبدالله الزردالی به مکه سفر کرده و در ۸۳۶ هجری قمری (۱۴۳۲/۱۴۳۳ م) از قبر حضرت محمد دیدن کرده است در واقع این یک گواهی زیارت حج است. این طومار به طور کلی توقفگاه‌های اصلی زیارتی مکه و آرامگاه پیامبر (ص) در مدینه را نشان می‌دهد. این طومار سنتی از تصویرسازی است که مربوط به نمایش دقیق و جزئی مکان‌های مقدس مسلمانان بوده و هنرمند بر این اساس هر یک از مقبره‌ها و دیگر بناهای شاخص را به تصویر کشیده و برچسب‌گذاری کرده است. کتیبه‌های نواری خوشنویسی به خط عربی، مضامینی از قرآن هستند که از جمله آنها می‌توان به حج اشاره کرد (Arjana, 2019). در پایین طومار تصاویری دیده می‌شود: حرم کعبه در مکه، تپه المروه (که به صورت مجموعه‌ای از دایره‌های متحدالمرکز نشان داده شده است)، آرامگاه حضرت محمد (ص) در مدینه، و نقش زیره‌ی صندل پیامبر (ص) که در آن گفته‌های منتسب به ایشان نوشته شده است.



تصویر ۱۲- بخشی از طومار تصویری گواهی زیارت حج، ۸۳۶ هجری قمری، کتابخانه بریتانیا. (URL.10)

یک قطعه حلیه موجود در کتابخانه‌ی بریتانیا، روایت و اقوال را با ترسیم آثار شخصی پیامبر<sup>(ص)</sup> ترکیب می‌کند (تصویر ۱۳). این اشیاء متبرک شامل ارقام زیر است: پرچم‌ها و حلقه‌ی مُهر (در سمت راست)؛ و شمشیر، عصا، قیچی و عبا (در سمت چپ)؛ تسبیح، پاپوش‌ها، شانه، رد صندل‌ها و ابریق وضو (پایین). این تصاویر با دعاها، آیات قرآنی و کتیبه‌های دیگر پر شده است. متون دیگر عبارت‌اند از: اسماء الحسنی (نود و نه نام خدا)، القاب پیامبر<sup>(ص)</sup>، حدیث، مدایحی درباره پیامبر<sup>(ص)</sup>، شعری با عنوان قصیده الحلیه و شعری درباره پیامبر<sup>(ص)</sup> (Safwat, 1996: 66).

حلیه‌نویسی در بین عثمانیان رواج و محبوبیت زیادی داشته است. برخی «حافظ عثمان را ابداع‌کننده‌ی حلیه‌نویسی می‌دانند» (داماز، ۱۳۶۰: ۹). حافظ عثمان افندی در ۱۰۵۲ق/۱۶۲۴م در استانبول متولد و در ۱۱۱۰ق/۱۶۹۸م از دنیا رفت. «حلیه‌متنی است در توصیف سیرت و صورت حضرت رسول اکرم<sup>(ص)</sup> که در قالب روایتی از حضرت امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup>، در کتب شیعه و سنی نقل شده است» (برک، ۱۳۹۶: ۸۱). «خطاطان عثمانی بسیار تحت تأثیر حلیه‌نویسی بوده‌اند و حلیه را عموماً بنابر اعتقادات مذهبی و برای ابراز محبت و ارادت خود به پیامبر<sup>(ص)</sup> و دستیابی به شفاعت آن حضرت می‌نگاشتند. بعدها حلیه را به منظور جلب برکت و رزق و دفع آفات و بلاها نیز می‌نوشتند و در مساجد و خانه‌ها می‌آویختند و این کار در جامعه عثمانی بسیار رواج داشت» (قربانی، ۱۳۹۷: ۱۴۹). حافظ عثمان حدود ۴۰۰ نسخه حلیه کتابت کرده که بسیاری از آنها هم اکنون موجود است و در موزه‌ها یا مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شوند.

نعلین پیامبر<sup>(ص)</sup> راه خود را بر روی سجاده‌ها (تصویر ۱۶) و کاشی‌کاری محراب‌ها نیز گشود (تصاویر ۱۵ و ۱۴). «در مسجد درویش پاشا - که توسط حاکم عثمانی دمشق در ۱۵۷۴-۱۵۷۵ میلادی ساخته شد، حاشیه کاشی بالای محراب با مجموعه‌ای از اشکال گیاهی مبهم تزئین شده است» (Carswell, 1987: 205). در این قسمت، «یک محراب کاشی‌کاری شده با نقاشی‌های دیدنی قرار دارد، بر روی آن، چراغ مسجد از طاق آویزان شده است؛ دو ستون از سنگ مرمر در طرفین آن است که بر روی آن مجموعه وسیعی از موجودات کوچک، از جمله: اردک، ماهی، خرگوش و چهارپایان دیگر درهم تنیده‌اند» (Makariou, 1998: 67). مجاورت آنها با دو تصویر تجریدی از صندل‌های حضرت محمد<sup>(ص)</sup>، یکی از با حرمت‌ترین یادگارهای پیامبر<sup>(ص)</sup>، به ویژه قابل توجه است. اشکال دقیق و در عین حال معلق تصویر شده بر روی ستون‌ها با اشکال سیاه و سخت صندل‌ها در تضاد است (Finbarr, 1999: 188).



تصویر ۱۳- حلیه‌نویسی به همراه لوازم متبرک پیامبر (ص)، دوره عثمانی، قرن نوزدهم میلادی، مرکب، آبرنگ و طلا روی کاغذ، خوشنویسی به شیوه ثلث، نسخ و غبار، ۴۷ در ۲۹/۴ سانتی متر، کلکسیون خلیلی. (URL.12)



تصویر ۱۴- کاشی‌کاری با نقش چراغ، شمعدان‌ها و صندل‌ها، موزه لیون هاوس، لندن. (URL.13)



تصویر ۱۵- پانل کاشی کاری با نقش چراغ، شمع‌ها و صندل‌های پیامبر<sup>(ص)</sup>، دمشق، حدود ۱۵۷۰-۱۵۸۰ میلادی، ۱۲۳ در ۶۲ سانتی متر، کلکسیون موزه آقاخان، تورنتو. (Finbarr, 1999:188)

صندل‌های نبوی با هنرهای اسلامی همراه بود، هنرمندان مسلمان از شکل آنها به عنوان عنصری کاربردی و تزیینی بر روی کاشی‌ها و سرامیک‌هایی که طاقچه‌ها و دیوارها را می‌پوشاندند، روی فرش و منسوجات و روی مقابر الهام می‌گرفت. جواهرات زنانه نیز در قالب این صندل‌ها به عنوان وسیله‌ای برای برکت جویی ساخته می‌شد و نسخه‌های خطی شرح حال و شمایل که به توصیفات پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌پردازد با آنها تزیین می‌شدند. از این صندل‌ها، و همچنین کتاب‌های اوراد و اذکار نیز استفاده می‌شد.

برخی از مورخان هنر اسلامی خاطر نشان کرده‌اند که علاقه به کشیدن صندل شریف پیامبر<sup>(ص)</sup> در هنرهای اسلامی از قرن دهم هجری قمری / قرن شانزدهم میلادی به ویژه در هنرهای عثمانی، صفوی و مغول افزایش یافته است (Arli, 2011:274). شهرهای دمشق و فاس که به صندل‌هایی که در اختیار داشتند مفتخر بودند، از جمله شهرهای اسلامی بودند که از شکل صندل‌های شریف در ساختمان‌ها و هنرهای کاربردی شان استفاده کرده بودند.



تصویر ۱۶- سجاده نماز با نقش صندل‌های پیامبر (ص)، موزه توطقایی سرای، استانبول (Arlı, 2011:274).

### نتیجه‌گیری

نعلین یا صندل‌های پیامبر (ص) یکی از یادگارهای متبرک ایشان است که به نمادی مقدس از حضور و تجسم وجودی ایشان در باور مؤمنان تبدیل شده است. نسخه‌های زیادی در مورد یادگارها و اشیاء مقدس و از جمله صندل‌های پیامبر (ص) نگاشته و تصویر شده است، تکرار و تکثیر آنها در طول قرون باعث شده است که صندل‌ها به عنوان نمادی مقدس، باورپذیر و متبرک درآید. مفاهیم خاصی به شمالی نعلین پیامبر (ص) منتسب شده است: دفع بلا و مصایب، جلب خیرات و برکات، شفا، سعادت دنیوی و اخروی، بخشش گناهان و غیره، که بر قدسیت و اعجاز آمیز بودن آن صحنه می‌گذارند. اعتقاد به متبرک بودن صندل‌ها نه تنها در بین عامه رایج بوده بلکه برخی حاکمان نیز از آنها در مواقع بحرانی، حمایت و مدد می‌جسته‌اند. به لحاظ شمالی و ظاهر نیز می‌توان به طور خلاصه و بر اساس تصویرنگاری انواع آن، روندی ترتیبی و تحول‌گرا، از شمالی‌های ساده به شیوه‌های پیچیده و تجمل‌گرا را در بین آنها مشخص نمود: طرح خطی ساده؛ خطوط کناره نما؛ خطوط کناره نما؛ عریض مزین به نقوش گیاهی یا کتیبه‌های خوشنویسی؛ با یا بدون بندهای چرمی؛ سطح داخلی تنیده در تزیینات پیچیده گیاهی و کتیبه‌های خوشنویسی؛ استفاده از نمادهای تجریدی اشیاء یا بناهای مقدس نظیر: کعبه، مسجدالنبی، مقام ابراهیم، منبر پیامبر (ص)؛ و غیره. احساس قدرت معجزه آسای نمادین صندل‌های پیامبر (ص) در کنار سایر نمادهای متبرک دیگر همچون: عبا، شانه، تسیح، کفش‌ها یا شمشیر ایشان، بیشتر نمود پیدا می‌کرده است. در کل می‌توان گفت صندل‌ها به عنوان یادگارهای پیامبر (ص)، حضور همیشگی ایشان را تجسم می‌کنند. این یک ارتباط معنوی عمیقی است بین مومن با پیامبر (ص) که این صندل‌ها زمانی متعلق به او بوده است. صندل‌ها نیز در مقام آثار مقدس، محلی برای حافظه فردی و جمعی، و یادآور خاطراتی هستند که آنها به همراه خود داشته‌اند. اشیاء مقدس به جای مانده، جزیی از حافظه تاریخی هستند. استفاده از یادگارهای مقدس توسط مسلمانان قرون وسطی، یادآوری خاطرات قدسین را بر روی اشیاء مقدس متمرکز می‌کرد، بنابراین به آنها معنای عمیقی می‌بخشید و زمینه احترام به آنها را ایجاد می‌کرد. طرح کلی نقش صندل‌ها بیشتر خلاصه‌نگاری شده‌اند اما نقوش پیچیده‌ی تزیینی نیز در برخی از نمونه‌های آن مشاهده می‌شود. صندل‌ها به عنوان نمادی مقدس از تبرک و شفا درآمده و گاهی نقش تعویذ و رفع بلا را نیز برعهده می‌گیرند.

## فهرست منابع

- ابن تغری بردی (۲۰۰۲). النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة. وزارة الثقافة والإرشاد القومي. ج. ۱۵، قاهره: دارالکتب مصر.
- الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد الذهبي (۱۹۹۳م). تاريخ الاسلام. تحقيق عمر تدمري، ط. ۲. ج. ۷. بيروت: دار الكتاب العربي.
- المقري (۱۹۹۷م). فتح المتعال في مدح النعال. تحقيق علي عبد الوهاب، عبد المنعم درويش، ط. ۱. قاهره: دار القاضي عياض.
- النعمي دمشقي، عبد القادر بن محمد (۱۹۹۰م). الدارس في تاريخ المدارس. تحقيق ابراهيم شمس الدين، ط. ۱، ج. ۲. بيروت: دارالکتب العلمية.
- برک، سليمان (۱۳۹۶). خوشنویسان استانبول. ترجمه ی ثریا منیری و مهدی قربانی. تهران: پیکره.
- بن احمد، خالد (۲۰۱۷). أرجوزة نیل الآمال في زيارة أشرف النعال للعلامة عبدالسلام الشرفي الأندلسي. مجلة المدونة، مجمع الفقه الإسلامي بالهند، ج. ۴. ش. ۱۴. هند.
- تیمور، احمد (۲۰۰۱). الآثار النبوية. قاهره: دارالآفاق العربية.
- خامه یار، احمد (۱۳۹۲). تصویرپردازی آثار منسوب به پیامبر اسلام (ص) در دعانامه های مصور عثمانی. نامه بهارستان هنر. دوره ی جدید، شماره ۱، تهران، صص. ۱۸۴-۱۹۷.
- داماز، ژاک (۱۳۶۰). هنر خطاطی در ترکیه از قرن دوازدهم. ترجمه صادقی وند و بهروز گلپایگانی. تهران.
- عبد الحفیظ، محمد علی (۲۰۲۱). النعال النبوية بين السيرة والتاريخ والفن. مجلة العمارة والفنون والعلوم الانسانية - عدد خاص (۲)، المؤتمر الدولي السابع «التراث والسياحة والفنون بين الواقع والمأمول». مصر، صص. ۲۳۲۴-۲۳۶۰.
- قربانی، مهدی (۱۳۹۷). هنر خوشنویسی در دوره ی عثمانی. نشریه مطالعات آسیای صغیر. شماره ۵، صص. ۱۳۳-۱۵۶.
- Abid, Hiba. (2021). *Material Images and Mental Ziyāra: Depicting the Prophet's Grave in North African Devotional Books (Dala'il al-Khayrāt)*. Journal of Material Cultures in the Muslim World, pp.331-354.
- Al-byhaqi, Ahmad ibn al-husain. (1988). *Dala'el al nobwaa*. Tahqeeq, Abelmuti qalaji, Dar alktob alelmaya, vol 6, pp.435-436.
- Al-Maqqarī, M. (2006). *Fath al-Muta'āl fi Madh al-Ni'āl*, Aḥmad Farīd al-Mizyādī (ed.), Beirut.
- Arjana, Sophia. (2019). *Islamic pilgrimages and sacred spaces*. London: British Library.
- (www.bl.uk/sacred-texts/articles/islamic-pilgrimages-and-sacred-spaces)
- Arli, Belgin Demirsar.(2011). Depictions of "Nalin-I Şerif" (Holy Patten) on Ottoman Tiles.14th International Congress of Turkish Art, Paris: Collège de France.
- Carswell, John. (1987). "Two Tiny Turkish Pots—Some Recent Discoveries in Syria," *Islamic Art* 2, pp.205-208.
- Finbarr, Barry Flood. (1999). *God's Wonder": Marble as Medium and the Natural Image in Mosques and Modernism*, West 68th, New York: New York University, vol.23, No 2, pp.168-215.
- Goldziher, Ignác (1971), *Veneration of Saints*, S.M. Stern (éd.), *Muslim Studies*, transl. by C.R. Barber and S.M. Stern, vol. 2. George Allen and Unwin, London.
- Gruber, Christiane. (2009). *The Islamic manuscript tradition, ten centuries of book arts in Indiana University Collections*, Indiana University Press.
- Ibn 'Asākir. (1998). *Juz, Timṭāl Na'l al-Nabī*, ed. Ḥusayn Shukrī, Medina.
- Makariou, Sophie.(1998). *Chefs-d'oeuvre islamiques de l'Aga Khan Museu.*, Paris : Musée du Louvre.
- Margoliouth, D. S. (1937). *The Relics of the Prophet Mohammed*, *Moslem World*, Vol. 27, pp.7-20.
- Meri, J. W. (1999). *Re-appropriating Sacred Space: Medieval Jews and Muslims Seeking Elijah and al-Khadir*, *Medieval Encounters: Jewish, Christian and Muslim Culture in Confluence and Dialogue*, Vol.5, pp. 237-264.
- Meri, Josef Waleed. (2010). *Relics of Piety and Power in Medieval Islam, Past and Present*. Supp. 10, Oxford: Oxford University Press.

- Mouton, Jean-Michel. (1993). *De quelques reliques conservées à Damas au Moyen-Âge. Annales Islamologiques* 27. IFAO, Cairo, pp. 246–247.
- Safwat, N.F.(1996). *The Art of the Pen. Calligraphy of the 14th to 20th Centuries*, The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art, volume V, London.
- Schimmel, Annemarie. (1985). *And Muhammad is his Messenger, The Veneration of the Prophet in Islamic Piety*. North Carolina: The University of North Carolina.
- URL.1- [digitalcollections.nypl.org/items/f9f73930-0759-0131-221c-58d385a7bbd0](https://digitalcollections.nypl.org/items/f9f73930-0759-0131-221c-58d385a7bbd0) (accessed 10/9/2021)
- URL.2- [viewer.cbl.ie/viewer/image/Ar\\_3113/83/](https://viewer.cbl.ie/viewer/image/Ar_3113/83/) (accessed 10/9/2021)
- URL.3- [prophet.hypotheses.org/international-conference-presence-of-the-prophet-and-his-heritage-marrakesh-4-7-november-2018](https://prophet.hypotheses.org/international-conference-presence-of-the-prophet-and-his-heritage-marrakesh-4-7-november-2018) (accessed 15/9/2021)
- URL.4- [www.christies.com/en/lot/lot-5986202](https://www.christies.com/en/lot/lot-5986202) (accessed 5/9/2021)
- URL.5- [www.christies.com/lot/lot-the-diagramatic-footprint-of-the-prophet-ibrahim-5604558/?from=salesummary&intObjectID=5604558&lid=1](https://www.christies.com/lot/lot-the-diagramatic-footprint-of-the-prophet-ibrahim-5604558/?from=salesummary&intObjectID=5604558&lid=1) (accessed 17/8/2021)
- URL.6- [en.ammonnews.net/print/20905](https://en.ammonnews.net/print/20905) (accessed 17/8/2021)
- URL.7- [www.alamy.com/turkey-illuminated-folio](https://www.alamy.com/turkey-illuminated-folio) (accessed 25/8/2021)
- URL.8- [www.khalilicollections.org/collections/hajj-and-the-arts-of-pilgrimage/khalili-collection-hajj-and-the-arts-of-pilgrimage-an-exceptional-copy-of-al-jazulis-dalail-al-khayrat-mss1138/](https://www.khalilicollections.org/collections/hajj-and-the-arts-of-pilgrimage/khalili-collection-hajj-and-the-arts-of-pilgrimage-an-exceptional-copy-of-al-jazulis-dalail-al-khayrat-mss1138/) (accessed 20/9/2021)
- URL.9- [www.bnf.fr](https://www.bnf.fr) (accessed 27/9/2021)
- URL.10- [www.bl.uk/sacred-texts/articles/islamic-pilgrimages-and-sacred-spaces](https://www.bl.uk/sacred-texts/articles/islamic-pilgrimages-and-sacred-spaces) (accessed 19/8/2021)
- URL.11- [harvardartmuseums.org/collections/object/337002?position=0](https://harvardartmuseums.org/collections/object/337002?position=0) (accessed 10/9/2021)
- URL.12- [www.khalilicollections.org/collections/hajj-and-the-arts-of-pilgrimage/hilyah-combined-with-the-relics-of-the-prophet-cal441](https://www.khalilicollections.org/collections/hajj-and-the-arts-of-pilgrimage/hilyah-combined-with-the-relics-of-the-prophet-cal441) (accessed 16/8/2021)
- URL.13- [www.rbkc.gov.uk/museums](https://www.rbkc.gov.uk/museums) (accessed 21/9/2021)